



ادبیات کودک و نوجوان گایگو

■ بلانکا - آنارویخ - رچو

Blanca - Ana Roig Rechou

(دانشگاه سانتیاگو د کومپوستلا - دانشگاه علوم تربیتی - مرکز رامون پینیرو ویژه تحقیقات علوم انسانی)

متعلق به **آمدور مونتته نگرو ساآودرا** (۱۹۳۲-۱۸۶۴) بودند. این‌ها داستان‌ها و لطایف (۱۸۹۲) و داستان‌های تمثیلی گایگو - اسپانیایی (دو زبانه) (۱۸۹۷) بودند که همان‌طور که از نام آن‌ها برمی‌آید، نویسنده با نشر آن‌ها، قصد داشت داستان‌های تمثیلی گایگو را وارد سیستم آموزشی کند که تا آن زمان، فقط در زبان اسپانیایی متمرکز شده بود. کتاب **اوارستو کورا کلدرون** (۱۸۹۹-۱۸۸۶)، اولین قصه جن و پری بود که با عناصر جدیدی، چه از نظر نوع و چه حتی از نظر خلاصه‌ای که از سنت قصه‌گویی ارائه می‌کرد، منتشر شد.

قصه جنگی یا قصه جنگ (۱۹۲۸)، از **کامیلو دیازوالینیو** (camilo Díaz Valino) (۱۹۳۶-۱۸۸۹)، پر از عناصری است که می‌کوشند ماهیت گایگو و حس وطن‌پرستی را بیدار کنند. **Cantigas de nenos** (سرودهای کودکانه) **روساریو** (Rosario)، آرژانتین (۱۹۳۴)، از **امیلیو پیتا رومرو** (Emilio Romero) (۱۹۰۹-۱۹۸۱)، یک مجموعه شعر است که با شعرهای تصویری شفاهی در یک ردیف قرار دارد.

ادبیات کودک و نوجوان گایگو (زبان مربوط به خطه گالیسیا - شمال غربی اسپانیا)، از دهه ۶۰ آغاز شد. پیش از این تاریخ، تنها می‌توان از تعداد اندکی اثر سخن گفت که می‌کوشیدند ضمن جلب مخاطب، این مسئله را اثبات کنند که زبان گایگو هم برای تربیت و تعلیم ادبی مناسب است. این آثار که شامل داستان‌ها، قصه‌ها، شعرها و قطعات نمایشی بودند، در سال‌های آخر قرن نوزدهم و اوایل قرن ۲۰، در مجلات به چاپ می‌رسیدند. به عنوان مثال، قصه‌های ملی و سنتی "polosmiños. Escena in fantil" و "As formillas" (۱۸۹۲)، از **آمدور مونتته نگرو ساآودرا** (Amador Montenegro) (۱۸۸۴-۱۹۶۳) **ریسیکو** (Vicente saavedra) یا آثار **اوارستو کورا کلدرون** (Evaristo correa Calderón) (۱۸۹۹-۱۸۹۶)، قطعه نمایشی **رامون آلوارینیو** (Ramón Alvaríño)، "ipobredo pobrie" (۱۹۲۵) که برخی از آن‌ها با گذشت زمان، در جلدهای جداگانه‌ای به چاپ رسیدند. آثار ادبی‌ای که در این دوره ظهور کردند،

این کتاب، در پی حفظ مفر آن چه از خود انسان ناشی می‌شود و درون فکنی حس خاک‌پرستی است. «تأثیر کودکان تک‌گویی‌ها» (۱۹۳۶)، اثر آلواردلاس کاساس (Alvaro de las casas ۱۹۵۰-۱۹۰۱)، اثری نمایشی و منظوم است که از هراس کودکانه کودکی در کنار دریا، سخن به میان می‌آورد.

ادبیات کودک و نوجوان گایگو، به این علت که عوامل سامانه‌ای با قدرتی نه چندان زیاد ارتباط را امکان‌پذیر می‌سازند، به شکل خاصی عملکرد خود را آغاز می‌کند. کارهای انجام شده از طریق انتشارات Galaxia (کهنکشان، تأسیس ۱۹۵۰) که از همکاری انتشارات کوچک‌تری مانند El Eco Firanciscano ، Castrelos ، Celta Ediciós do ، Xistral ، Cartanages Anni castro بهره‌مند شد، شایان ذکر است. گام‌های اولیه‌ای که روشنفکران مهاجر برداشتند و بالاخص تلاش‌هایی که حاصل رابطه میهن پرستان گایگو با کاتالان‌هاست، شمار زیادی کتاب چاپ مشترک در پی داشت که به کمک صنعت ضعیف انتشارات گایگو آمد.

در ضمن، نمی‌توان انجمن‌های فرهنگی و جنبش‌های نوآور آموزشی را نادیده گرفت؛ چرا که آن‌ها هم گام‌های مهمی با هدف عرضه متون ادبی مناسب برای کودکان و نوجوانان برداشته‌اند. این دوره‌ای است که خصوصیت بارز آن، نوعی فعالیت مبارزه جویانه و جنگ طلبانه است. البته از ۱۹۷۵ به ویژه از دهه ۸۰ به بعد بود که این ادبیات جا افتاد، تقویت شد و در خارج از مرزهای گالیسیا شناخته شد؛ فرآیندی که باعث می‌شود تأیید کنیم که در قرن ۲۱، ادبیات کودک و نوجوان گایگو، ادبیاتی قدرتمند و حتی نوآور است. زیرا عواملی که ساخت یک سامانه ادبی را ممکن می‌سازند، کاملاً عادی عمل می‌کنند. عوامل زیادی به مدد



PEP Montserrat - Spain

**ادبیات کودک و نوجوان
گایگو (زبان مربوط به
خطه گالیسیا- شمال
غربی اسپانیا)، از دهه
۶۰ آغاز شد. پیش از این
تاریخ، تنها می‌توان از
تعداد اندکی اثر سخن
گفت که می‌کوشیدند
ضمن جلب مخاطب، این
مسئله را اثبات کنند
که زبان گایگو هم برای
تربیت و تعلیم ادبی
مناسب است**

کتاب کودک و نوجوان) که آثار گایگو را چه در داخل و چه در خارج از کشور تبلیغ کردند. هر آن چه تا به حال گفته شد، در کنار عوامل اجتماعی - سیاسی - فرهنگی که در خلق و نشر آثار مختلف دخالت داشتند، فرآیند تکوینی ادبیات کودک نوجوان گایگو را به همراه داشته است.

ادبیات داستانی

آخرین سال‌های دهه ۷۰ و سال‌های آغازین دهه ۸۰، زمینه‌ای بود برای اولین تجلی‌های این نوع ادبی؛ چه در زمینه موضوع و چه در زمینه فنون داستان‌نویسی. گرایشاتی که با آثار نویسندگانی که دیگر انواع نمونه و معیار را خلق کرده بودند، باز هم دنبال می‌شوند. از جمله اثر **نیرا ویلاس (Neira Vilas)** (۱۹۲۸)، به نام **Memorias dun neon labrego** (۱۹۶۱) که در آن، به نحوه زندگی و شکل‌گیری شخصیت یک پسرک فقیر در یک دهکده گایگو در دهه ۴۰ پرداخته می‌شود. تجربیات و احساسات او در این اثر روایت می‌شوند (۱۹۳۱). **Xohana Torres** با **Folo mar ran (sardinas)** (۱۹۶۷)، اثری است که در آن، به دشواری‌های زندگی یک دریانورد اشاره می‌شود. **Carlos casares** (۲۰۰۲-۱۹۴۱) با **A galina azul** (۱۹۶۸)، مجموعه داستانی است که از جبهه‌گیری علیه همسانی و یکپارچگی آغاز می‌شود و به دفاع از حق متفاوت بودن و آزادی می‌رسد که تا انفجار تخیل و طنز پیش می‌رود و یا بالاخره، **ماریا ویکتوریا مورنو مارکز (Maria victoria Moreno márquez)** (۲۰۰۵-۱۹۴۱)، با دریای آدیانتِه (**Mar adiante**) (۱۹۷۳) که در آن، از طریق بازی با واقعیت و تخیل، طرح‌ها و پیشنهاداتی برای نوآوری در روش‌های تربیتی ارائه می‌دهند. این نویسندگان فقط برای کودکان

این فرایند آمده‌اند که اولین و اصلی‌ترین آن‌ها، ورود زبان و ادبیات گایگو به مراکز آموزشی بود؛ مسئله‌ای که نشر آموزشی (کتاب‌های درسی، روش‌های خواندن و کتاب‌های تبلیغاتی) را تا حد بسیار چشمگیری افزایش داد؛ یعنی مجموعه‌ای از کتاب‌های مدرسه‌ای که باعث ایجاد مخاطبین کودک و نوجوان شد که تا سال ۱۹۷۵ عملاً وجود خارجی نداشتند. این الحاق هم‌چنین باعث تقاضای آثاری شد که در پاسخ به انواع ادبی متداول و مرسوم بودند. در عین حال، نوعی تربیت ادبی و تمرین خواندن و سرگرمی مخاطبین تازه را آغاز کرد. عوامل دیگری که تغییر کمی و کیفی ادبیات کودک و نوجوان گایگو را امکان‌پذیر ساختند، از این قرارند:

- فراخوان جوایز جدید ادبی که بسیاری از آن‌ها، بسیار مناسب و به جا هستند و در کنار آن‌هایی که پیش از این‌ها برگزار شده‌اند (مثل فراخوان انجمن فرهنگی **Ofacho**، از سال ۱۹۶۸ که جزو اولین‌هایی بود که یک عملکرد قابل قبول داشت) خلاقیت را تشویق کردند. از این زمان به بعد، علاوه بر منافع مالی، می‌بایستی تبلیغ عمومی نویسندگان زن یا مرد برنده را نیز در نظر گرفت. همین‌طور تبلیغ اثر برنده و تمامی مراحل تولید و چاپ آن، نه تنها در خود کشور، بلکه خارج از آن کشور هم حائز اهمیت است.

- افزایش مؤسسات انتشاراتی گایگو و خارجی که در این ادبیات سرمایه‌گذاری و مجموعه‌هایی برای گروه‌های سنی مختلف مخاطب عرضه کرده‌اند. - حمایت دولتی برای ترجمه، خلق و پخش از طریق کمک‌های دولتی به نویسندگان زن و مرد، انتشارات مختلف و غیره... ستادهای کتابخوانی، سمینارها، گردهمایی‌ها و کتاب‌های نشرشده توسط انجمن‌هایی مانند **Nora escola galega** (مدرسه جدید گایگو) و یا **Galix** (انجمن گایگوی

حمایت دولتی برای ترجمه، خلق و پخش کتاب از طریق کمک‌های دولتی به نویسندگان زن و مرد، انتشارات مختلف و غیره... ستادهای کتابخوانی، سمینارها، گردهمایی‌ها و کتاب‌های نشر شده توسط انجمن‌هایی مانند «مدرسه جدید گایگو» و «انجمن گایگوی کتاب کودک و نوجوان»، آثار گایگو را چه در داخل و چه در خارج از کشور تبلیغ کردند

کوچک‌ترها (حیوانات خانگی).

با ورود به دهه ۸۰ و ۹۰، تعداد نشریات برای کودکان، به شکل باورنکردنی افزایش یافت؛ یعنی از حدود ۲۵۰ عنوان که تا آن زمان به چاپ رسیده بود، به ۱۴۰۰ عنوان در قرن ۲۱ رسید و در طول زمانی که از آغاز این قرن می‌گذرد، از این تعداد هم فراتر رفته است. با وجود این، اصلی‌ترین عامل گسترش ادبیات کودک و نوجوان گایگو، تغییر در ساختار موضوعی بود که انتشار تعداد بسیاری از آثار را در بر گرفت و کم و بیش، نمونه‌ها و الگوهای موفق پدید آورد که به عنوان دسته‌بندی کاربردی از آن‌ها یاد می‌شود. این دگرگونی، بیش از هر چیز با تنوع راویان، محسوس‌تر به چشم می‌آید. حال دیگر یک راوی به تنهایی به عنوان دانای مطلق

نمی‌نوشتند، بلکه در ادبیات معیار هم شناخته شده بودند و این مسئله، از آن نظر حائز اهمیت است که در آن زمان به عنوان داوطلب مبارز اثری را می‌نوشتند. در حالی که در دهه‌های بعد، این کار را برای جلب مخاطبین بیش‌تر و برای تبلیغ شخصی انجام می‌دادند. آثار نام برده، تغییرات وارده بر تعلیم و تربیت خلاقانه، تفکرات آموزشی فرینت، روش روایی روداری و گرایش به نقد اجتماعی را که تا این حد در ادبیات مورد علاقه و محبوبیت است، به خوبی بازمی‌تاباند.

نویسندگان دیگری در این زمان برای این گروه مخاطب قلم زده‌اند و حتی آثاری برای انتقال شفاهی با پایه‌هایی که امروزه مناسب تلقی می‌شوند (گرایشی که به وحدت دوره‌های مختلفی که ادبیات کودک و نوجوان از آن‌ها گذر کرد، کمک شایانی کرد)، آنان در اکثر آثار خود ادامه دهنده گرایش‌های نو روایی آن زمان بودند؛ هر چند بسیاری از آن‌ها بار آموزشی بسیار قابل توجهی داشتند. این آثار برای یک مخاطب و خواننده تازه کار نوشته شده بودند و به علاوه، این طور فکر می‌شده است که انتقال اطلاعاتی راجع به هویت گالیسیا، هم چنان نیاز بوده و می‌بایستی وضعیت جامعه، کمبود توجه نهادهای دولتی به مسئله آموزش و عدالت اجتماعی، بیش از هر چیز مورد انتقاد قرار می‌گرفت. در عوض آثار دیگر، وابستگی خود را به موضوعات و روش‌های روایی سنتی‌تر ابراز می‌کنند. در مجموع، دغدغه خاطر شدیدی در زمینه زبان مورد استفاده در این آثار به چشم می‌خورد: ساده بودن آن‌ها، استفاده از جملات کوتاه و تلگرافی، استفاده از تصویرهای بسیار و دیالوگ‌های بسیار اندک، ترکیب همه چیز با رویا و آرزوهای شخصیت‌های داستان که در اکثر موارد کودک هستند یا بزرگسالانی که به آن‌ها خیلی نزدیک‌اند و یا حیوانات مرتبط با

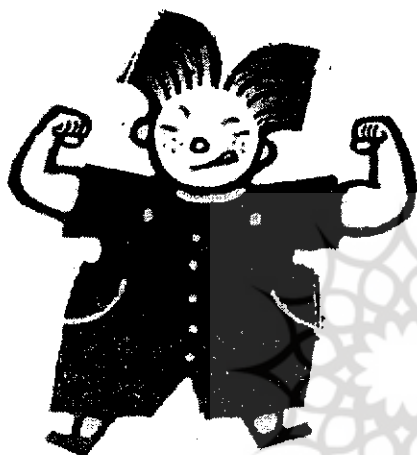
فرآیند بلوغ و تکوین قرار دارند) و بسیاری دیگر که شروع به نگاشتن می‌کردند، باز هم به این گرایش می‌گرویدند: برای شناساندن زندگی‌های دیگر، نزاع‌ها و وضعیت‌هایی که در آن‌ها هر کس می‌تواند هویت خود را بشناسد. هم‌چنین، رمان‌های ماجراجویانه و تمامی مشتقات آن، هم مورد توجه و هم بسیار جدید هستند؛ چرا که تازه پا به عرصه ظهور گذاشته‌اند. رمان‌های پاندایی به

کافی نبود، بلکه شخصیت‌های داستان هم روایت داستان را آغاز کردند. به دنبال این مسئله، خاطرات شخصی روزانه تک‌گویی‌های درونی، نامه‌نگاری و غیره نیز به جمع آن‌ها اضافه شد. اما نباید فراموش کرد که در بهترین آثار، محتوای روایی است که تعیین می‌کند نوشته برای مخاطب کودک و نوجوان نوشته شده است.

موضوع داستان‌ها هم دستخوش تغییر شد. امروز می‌شود از هر موضوعی، بدون هیچ محدودیتی، به شرط تطابق با قوه درک خواننده، صحبت کرد. شیوه روایی هم دیگر از آموزنده بودن فاصله گرفت و شخصیت‌هایی که در داستان‌ها درگیر هستند، با توجه به عواملی پیشین‌گزینش نمی‌شوند، بلکه یک تقسیم نقش بدون توجه به جنسیت آن‌ها در نظر گرفته شده است.

از بین فرم‌هایی که بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته‌اند، می‌توان به رمان، داستان و قصه‌هایی اشاره کرد که امکان تعمیق، طعنه زدن یا حتی فقط اشاره به مشکلات فردی یا گروهی شخصیت‌هایی را فراهم می‌آورند که در داستان پخش شده‌اند و در یک فضای خانوادگی، تحصیلی یا تفریحی در حرکت هستند. آن‌ها زندگی کنونی را منعکس می‌سازند و با مشکلاتی که متحمل آن‌ها می‌شوند، دست و پنجه نرم می‌کنند. به این ترتیب، پای رئالیسم، تخیل، طنز و صحبت از مسائل جنسی، عشق، جدایی‌های زناشویی، طلاق‌ها و یا غفلت‌های خانوادگی به این فرم‌ها باز می‌شود و از مشکلات همزیستی، مرگ، اعتیاد، بی‌کاری، عدم تفاهم، عدم پذیرش و درک متقابل و مشکلات روانی، به آسانی در داستان سخن گفته می‌شود که پیامد آن، اعتراض به بی‌عدالتی اجتماعی است.

تقریباً تمامی نویسندگانی که برای این گروه مخاطبین می‌نوشتند (مخاطبینی که در



**گام‌های اولیه‌ای که
روشنفکران مهاجر
برداشتند و بالاخص
تلاش‌هایی که حاصل
رابطه میهن پرستان
گایگو با کاتالان‌هاست،
شمار زیادی کتاب چاپ
مشترک در پی داشت که
به کمک صنعت ضعیف
انتشارات گایگو آمد**

— تخیلی را در پیش گرفته بودند و این مسئله در آثار منتشر شده توسط **آگویا پیسکوئتا** (Agullata A viaxe alucinante de Pizcueta (۱۹۵۶) با peter یا مجموعه‌هایی که با شخصیت‌هایی چون شایر و شیلا نوشته شده بودند (۲۰۰۴-۱۹۹۵)، از **رامون کاریده آگاندو** (Ramón Caride Ogando) (۱۹۷۵) Experimentos (۲۰۰۵) از **مانوئل دارریبا** (Manuel Darriba) (۱۹۷۳) به چشم می‌خورد.

به ماجراجویی‌های دیگری نیز مانند ماجراهای پلیسی و کارآگاهی که تعمداً شرایط زمانه و عیوب اجتماعی را که مانع پیشرفت نسل جوان می‌شدند، منعکس می‌کردند (قاچاق مواد مخدر، اعتیاد و ...) پرداخته می‌شود. همان‌طور که می‌توان عناوین متعدد این نوع ادبی را مشاهده کرد: از زمانی که **Xavier P. Docampo** و **Pepe carballude** (۱۹۵۶)، **A chave das no ccs** (۱۹۸۷) و **Enrestigación** (تحقیق ۵۹۱) (۱۹۸۹) را چاپ کردند. ضمناً در کتاب‌فروشی‌ها، سفرنامه‌های گالیایی هم به چشم می‌خورند و یا سفر به کشورهای دیگر با هدف آگاه‌سازی از گذشته تاریخی - اساطیری، آداب و رسوم، اسطوره‌ها، گذشته فرهنگی، شخصیت‌های برجسته، سنن، وقایع امروزی؛ با همان ویژگی‌های ادبیات آغازین و ابتدایی که در بسیاری از آن‌ها به چشم می‌خورد. در این آثار، تغییرات اجتماعی جهان و بیش از هر چیز گفت‌وگوی بین فرهنگی منعکس می‌شوند. در میان اولین توسعه دهندگان این نوع ادبی، **Xoan Babarro** (**خوآن باباررو**) (۱۹۴۷) و **Ana María Fernández** (**آنا ماریا فرناندز**) (۱۹۴۹) قرار دارند با چندین جلد کتاب که در برخی از آن‌ها، این مسئله یادآوری می‌شود که ما که هستیم و که بوده‌ایم؟ و راجع به تفاوت‌های زندگی روستایی و شهری و عواقب

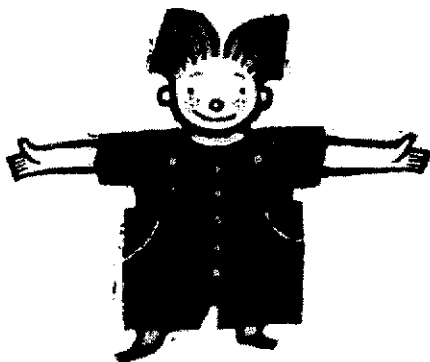
سبک **E. Blyton** یا **S.E. Hinton** که علاوه بر افشای معماها، مشکلات جهان امروز را پیش روی ما قرار می‌دهند: اکولوژیسم، محافظت از حیوانات روبه انقراض، اعتیاد، بی‌عدالتی اجتماعی، مشکلات فردی و جمعی و غیره... از سال ۱۹۸۵ که **اورسولا هینز** (**U'rsula Heinze**) (۱۹۴۱) **Xabier P. Docampo**، **dos nenos**، **obuzón** (۱۹۴۶) **Misterio das baladas** (۱۹۸۶) و **آگوستین فرناندز پاز** (**Agustín Fernández Paz**) (۱۹۴۷)، گل‌های رادیواکتیوی (۱۹۹۰) را منتشر کردند، تعداد نویسندگانی که به این نوع ماجراجویی‌ها علاقه‌مند شدند، افزایش یافت. برخی دیگر به بازآفرینی رمان‌های شوالیه‌گری و آر‌توریک (آرتور از پادشاهان انگلستان) می‌پردازند؛ هر چند آن را با زندگی امروزی در می‌آمیزند. **داریوخهان کابانا** (**Darío Xohán Cabana**) (۱۹۵۲)، **As Aventuras de Breogan** (۱۹۹۰)، (ماجراهای برئوگان فولگیرا) و پس از آن **اوا موردا رودریگز** (**Eva Moreda Rodriguez**) (۱۹۸۱)، **De Guisamonde**، **Breogán**، یا **Cabaleiro da Gaviota** (۱۹۹۷) از این دسته بودند. نویسندگان دیگری هم پیرو الگوی پی‌ریزی شده توسط **دانیل دفوئه** (**Daniel Defoe**)، **رابرت، لوئی استیونسن** (**R.L. Stevenson**) و دنباله روندگان راه وی شدند؛ همانند **ماریلار الکساندر** (**Marilar Aleixandre**) (۱۹۴۷) **A expedición de pacifico**، (۱۹۹۴)، **Jauregu izar** (۱۹۶۵) یا **A rutina corsaria** (۱۹۹۸) **De cobre para Martiño**، (۲۰۰۵) از **رامون کارردانو** (**Ramón Carredano**) (۱۹۵۰). گروه دیگری ترجیح دادند جوامع آینده دور را تصور کنند؛ چه از لحاظ زمانی و چه از نظر نوع اجتماع آن زمان. آن‌ها راه **ژول ورن** و در کل ژانر علمی

مختص خوانندگانی از گروه‌های سنی مختلف نوشته شده‌اند، ولی همگام با گذر زمان، تولید این نوع آثار هم افزایش پیدا می‌کند؛ به ویژه تولید آن دسته از آثاری که در آن بتوان «ادبیات مرزها» را تشخیص داد، ادبیاتی که دارای شیوه روایی خاصی است که در وهله اول برای مخاطبین بین گروه سنی نوجوان و جوان نوشته شده‌اند، ولی با هدف نیل به مخاطب بزرگسال. به همین علت، این‌ها آثاری به شمار می‌آیند که با تعدد بیش‌تری نسبت به آثاری که مختص سنین دیگری نگاشته شده‌اند، خوانندگان و مخاطبین متفاوتی را به خواندن وا می‌دارد.

نمونه‌های یاد شده، به این علت که انس بیش‌تری با مخاطبین دارند و مختص آن‌ها به نگارش درآمده‌اند، مورد توجه بیش‌تری قرار گرفته‌اند و به این علت که بسیاری از آن‌ها ویژگی‌های تکنیکی و فنی خوبی از خود نشان داده‌اند، به آثار مرجع تبدیل شده‌اند. البته نمی‌توانیم مرور بر این نوع ادبی را، بدون اشاره به زندگی‌نامه‌ها، شرح حال‌ها و وقایع نگاری‌هایی به پایان ببریم که به طور عمده در شناساندن نویسندگان برجسته‌ای نقش داشته‌اند که هم اکنون به جایگاه پیشگامی دست یافته‌اند؛ مثل **روسالیا دکاسترو** (Rosalía de castro) یا **رامون اوترو پدرایو** (Ramón otero) (pedrayo) با زندگی‌نامه‌هایی که در سال‌های ۱۹۷۹ و ۲۰۰۶ منتشر کردند و هم‌چنین آن‌هایی که در روز ادبیات گایگو از آن‌ها تقدیر می‌شود. به همین علت، مجموعه‌های تخصصی فراهم آمده یا آن‌هایی که در مورد شخصیت‌های مختلفی نوشته شده‌اند، مانند **آنتون کورتیزاس** (Antón cortizas) (۱۹۵۴) یا **اورسولا هینزه** (Úrsula Heinze) (۱۹۶۵)، هم‌چنین درباره گلچین‌های کودک که اگر چه با چاپ‌های مشترک آغاز کردند و

و آثار ترک این مکان‌ها صحبت می‌کند. **مانوئل ماریا** (Manuel María) (۱۹۲۹-۲۰۰۴) نیز در این مسیر گام نهاد؛ نویسنده‌ای که به اندازه کافی در انواع دیگر ادبی و زمینه‌های دیگر شناخته شده بود و نویسندگان بسیار دیگری که به نسل‌های جدیدتر و جوان‌تر تعلق داشتند. این گرایش در قرن ۲۱ بسیار رایج است و ما بر این باوریم که از طریق آن، قصد پاسخ دادن به جهانی شدن و پررنگ جلوه دادن ارزش‌های هویتی، چه بومی و چه غیر بومی، در میان است و احتمالاً شناساندن نکاتی برای همزیستی مسالمت آمیز با همسایگان‌مان در آینده **Laberinto ocentro** (مرکز هزارتو) (۱۹۹۷) از **آگوستین فرناندز پاز** (agustín Fernández paz) ، **Araca de fisterra** (۲۰۰۳) از **ماریلار الیکساندره** (Marilar Aleixandre) (۱۹۴۷) ، **Morgu'n** (۲۰۰۳) از **سوسود تورو**؛ **Do vento** ، **Tomán** (۲۰۰۳) ، **از مانوئل لورنسو گنزالس** (Manuel lourenzo Gonzanlez) (۱۹۹۵) ، **Smara** (۲۰۰۶) از **پائولا کاربالیرا** (Paula carbaleira) (۱۹۷۲) ، **Vsha** (۲۰۰۶) از **ماریا ریموندز** (Maria Reimóndez) (۱۹۷۵) یا **Isha nacida do corazón** (۲۰۰۶) از **Fina casal/ derrey** (۱۹۵۱) ، نمونه‌های مناسبی از این نوع ادبی هستند.

هم‌چنین از اوایل دهه ۸۰، رمان‌های آموزشی و ابتدایی، راهی که نویسندگانی چون **Méndez Ferrín** (**مندز فررین**) (۱۹۳۸) با **Arnoia, Arnoia** (۱۹۸۵) ، **ماریا خوسه کیزان** (María Xosé Queizán) (۱۹۳۹) با **Osegreclo** ، **Da pedra figen** (۵۸۹۱) یا **فرانسیسکو باسکز چانتادا** (Francisco Vázquez chantada) (۱۹۶۵) با **Crónica de Ofusa** ، (۲۰۰۳) آغاز کردند. تمامی این آثار،



چون Edicions xerias ، گالییا با مجموعه "Vouche contar un conto" «می‌خواهم یک قصه بگویم» (۱۹۹۱) و نیز ناشران دولتی که به سبب یک رویداد خاص، تشویق به چاپ این آثار می‌شدند. در قرن ۲۱، به لطف رسانه‌ها و وسایل نرم‌افزاری، این نوع تولیدات افزایش یافتند.

این نمونه‌ها و شیوه‌ها، با نمونه‌ها و شیوه‌های پیشین همزیستی دارند؛ هر چند همه آن‌ها از شیوه‌های روایی جدید تقلید می‌کنند. بدین ترتیب، قصه‌های کودک که هر بار بهتر تصویرسازی می‌شوند (ناگفته نماند که در گالیسیا به درجات بسیار رفیعی رسیده است)، پیاپی چاپ می‌شوند؛ حتی آثاری که از افسانه‌ها، اسطوره‌ها و حکایات کودکانه متأثرند و نیز آن‌هایی که مقدمه‌ای برای ورود به دنیای فناوری به حساب می‌آیند. این قصه‌ها که مختص پیش‌خوانندگان (کودکان پیش‌دبستانی) و یا خوانندگان بزرگسال نوشته شده‌اند، از طرف ناشران گوناگون که درخواست تولید این آثار را دارند، بسیار گرامی داشته می‌شوند. ضمن این‌که خالقان این آثار هم مشخصاً تصمیم به عرضه آن‌ها می‌گیرند. همه این کتاب‌ها دارای ویژگی کاربرد کلیدها و نکات ویژه کودکانه هستند؛ زیرا بازی‌های سرگرم‌کننده و نقاشی‌های جذابی دارند و شخصیت‌ها از افکار نو و از زبان عامیانه و صریح استفاده می‌کنند. از طرفی، گردآوری وسایل برای انتقال شفاهی، با طراحی‌های نزدیک و مانوس با مخاطب کودک، به نشر رمان و داستان‌هایی با اهداف آموزشی و غیره ... منجر شده. نمی‌خواهم بخش ادبیات روایی، رایج‌ترین نوع ادبی (رویدادی که نشانگر بلوغ یک ادبیات است و می‌دانیم که قصه و رمان، برای مخاطبین کودک و نوجوان مناسب قلمداد نمی‌شده است) را بدون اشاره به طنز و لطیفه به پایان برسانم. این نوع ادبی، تا به امروز در

آخرین سال‌های دهه ۷۰ و سال‌های آغازین دهه ۸۰، زمینه‌ای بود برای اولین تجلی‌های این نوع ادبی؛ چه در زمینه موضوع و چه در زمینه فنون داستان‌نویسی. گرایشاتی که با آثار نویسندگانی که دیگر انواع نمونه و معیار را خلق کرده بودند، باز هم دنبال می‌شوند

در نتیجه الگوهای ناآشنایی را انتقال دادند، از زمانی که پروژه Kalandraka (۱۹۹۸) آغاز شد، از تولیدی متنوع بهره‌مند شده که بسیار جالب توجه و نوآورست. روش این ناشر، با تفکرات و طرح‌های جدید، به عنوان محرک شرکت‌های ناشر دیگر که چه در خود گالییا و چه در خارج از آن مطلب چاپ می‌کنند، عمل می‌کند. همین‌طور در کتاب‌فروشی‌ها، اولین متون با تجهیزات و وسایل شنیداری ظاهر شدند؛ از ناشرانی

آثار، برخی خالقین پیشین و برخی نویسندگان جوان‌تر مانند Andrés Meixi, (۱۹۷۰) Kiko da Silva (۱۹۷۹)، نقش دارند.

شعر

شعر کودک و نوجوان با قدرت ادبیات داستانی و نثر گسترش پیدا نکرد، ولی می‌توان تأیید کرد که بسیار دگرگون شد؛ چه از لحاظ ظاهری و چه از لحاظ ساختاری. تا دهه ۸۰، به ندرت روی شعر تمرکز می‌شد و دفاتر شعر اندکی هم که به چاپ رسید، می‌کوشیدند (هر چند همیشه هم موفق نبودند) تا از آموزش محوری کتاب‌های درسی، به بازی با اشکال و تصویرها و نیز بازی با چیستان‌ها برسند. هم‌چنین، شعرها اغلب در فرم‌های جدید و با نگاهی نو سروده می‌شدند. این شعرها طیف موضوعی وسیع و تجارب نوآورانه‌ای در قیاس با آن چه در اواخر سال‌های ۷۰ انجام می‌شد، ارائه کردند. بالاخره باید گفت که دگرگونی‌های زیادی از ظاهر گرفته تا ساختارهای شعری به چشم می‌خورند که هیچ کدام از شیوه‌های سنتی پیروی نمی‌کنند. صداهای جدید بسیاریند که توسط شاعرانی مانند Dora Vázquez (دورا باسکز) Pura Vázquez (پورا باسکز) و (۱۹۱۳) ارائه می‌شوند. این شاعران به سبب آثار قبلی خود نیز شناخته شده‌اند. آن‌ها در چشم‌انداز شعری برجسته هستند؛ همانند Helena villar jareiro (النا بیجار خاریرو) (۱۹۴۰)، Fran Alonso (فران آلونسو) (۱۹۶۳)، Ana... (جوآن بابارو)، Maria Fernández (آنا ماریا فرناندز) و به ویژه Antonio García (آنتونیو گارسیا تیخیرو) (۱۹۵۲) که در نوع خود کلاسیک به شمار می‌رود. در عین حال، برای مخاطبین کودک، چاپ‌های کلاسیکی از ادبیات

خطه گالیسیا، به علت ضعف در صنعت فرهنگی گایگا، وارد نشده بود. در سال ۱۹۷۵، اولین طنز کودک به قلم رایموندو پاتینو (Raimundo Patino) (۱۹۳۶-۱۹۸۵) و خواکین مارین فورموسو Xaquín Marin Formoso (۱۹۴۴)، با Dous vioxes (دو سفر) به چاپ رسید. موضوع آن یک لطیفه کودکانه به سبک آن‌هایی بود که آن سال‌ها شروع به ترجمه کرده بودند (مانند Astérix که Blanco-Amor آن را ترجمه کرد)، ولی این خود پیشرفتی بود و اجازه می‌داد که در سال ۱۹۷۸، Xaquim Marín اولین طنز کودک گایگو را با هدف مشخص نیل به جوان‌ترین مخاطبین بنویسد.

Gaspariño g Gas pariñoll (۱۹۸۲)، در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ سال‌های سپری شده از قرن ۲۱، عناوین منتشر شده و کیفیت چاپ، کم‌کم بهبود پیدا کرد؛ بالاخص به لطف تمهیدات دولتی؛ چرا که سرمایه خصوصی بسیار اندک است. این آثار منتشر شده، به قلم Fran Jaraba (فران خارابا) (۱۹۷۵)، Francisco Bueno capeáns (فرانسیسکو بوئوکاپئانس) (۱۹۶۷)، فائسوستوس. ایسورنا Faustoc Isorna (سیرولوپز) (۱۹۶۱)، Siro lopez (۱۹۴۳) و خسوس فرانکو Xe súis Franco (۱۹۴۵) نگاهشته شد؛ نویسندگانی که از کمک تصویرگران، روزنامه‌نویسان "Cartelóns de cego" بهره‌مند هستند؛ مانند کاستلانو Castelaو دیسته‌دیسته Dieste، ماسیده Maside و بادیاژ باردو Diaz Pardo. در سال‌های اخیر دو پدیده بی‌سابقه (Banda) طراحی شده که در Ourense و نمایش «کاریکاتور از آتلانتیک» که در لاکورونیا برگزار می‌شود، باعث شدند تا به چشم‌اندازی خوشایندتر برسیم که در چاپ مجموعه‌های جدیدی مثل "BD Banda" تجلی پیدا می‌کند. در تولید این

به نمونه‌های نمایش Ribad aria اشاره کرد؛ نمونه‌هایی که به فراخون نمایش شهرداری Xore ارائه شد و نویسندگان جدیدی را معرفی کرد. به علاوه، باید به نمایش‌های کودک اجرا شده که شکل‌گیری جایزه "Xeracion Nos" را در پی داشتند و همین‌طور مجموعه فعالیت در حیطه نمایش (هفته‌های نمایش مدرسه در Lugo، هفته‌های بین‌المللی شهرداری A Coruña، ستاد نمایش مدرسه "Domingos de Furabolos"، جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی Galicreques که باعث ایجاد جایزه "Barriga verde" «شکم سبز» و مسابقه "Estomela" که از سال ۲۰۰۰، مؤسسه Neira vilar برگزار می‌کند) اشاره کرد. مسابقه اخیر، مسابقه‌ای است که بخش عظیمی از ادبیات نمایشی را تحت پوشش قرار می‌دهد. این‌ها گام‌های نخستینی است که گروه‌های حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای، گروه‌های نمایش عروسکی و خیمه شب‌بازی را می‌شناسانند.

در آخر باید گفت که هر چند روی صحنه بودن قطعات نمایشی، از هر چیز دیگر بیش‌تر به چشم می‌خورد، عناوینی هم وجود دارند که به روش‌های نوین نمایش و همین‌طور استفاده از موضوعات مربوط به دنیای کودکان و جریان‌های پرطرفدار اشاره دارند. در این چشم‌انداز An Alfaga (۱۹۶۴)، Euloxio Ruibal (آنولخیو رویبال) (۱۹۴۵)، Cándido pazó (کاندیدو پاسو) (۱۹۶۰)، Xosé Vázquez pintor (خوسه باسکز پینتور) (۱۹۴۶)، از بین تمامی کسانی که به «نقد رفتارهای اجتماعی» پرداخته‌اند، برجسته‌ترند. این نویسندگان «بازآفرینی قصه‌های سنت شفاهی و سنت ادبی»، «بازآفرینی نمادها، فضاهای مردمی و ادبی گایگو»، «ماجراجویی‌ها» و «تمرینات مدرسه‌ای» را انجام داده‌اند؛ هر چند برخی از آن‌ها، تاکنون فقط یک اثر نوشته‌اند.

گایگو منتشر می‌شود؛ مانند آثار Daniel R. kastela Rosalia de (دانیل ارکاستلانو، castro Celso Emilio (روسالیاد کاسترو)، Manuel Ferreiro (سلسو امیلیو فرربرو)، curtos En rique (مانوئل کورزس انریکه) که با حمایت‌های خوبی نیز طرح شده‌اند. شعر شفاهی در حال حاضر، به شکل‌های بسیار جالب طراحی و چاپ می‌شود و کتاب‌های خوبی هم به مرحله چاپ می‌رسد. Xoan Babarro (جوآن بابارو)، Maruxa Barrio (ماروخا بارریو)، Enrique Harguindey (انریکه آرگیندی)، David Gonzalez B. (پالمیرا گنزالس)، Manuel Rico (داوید اوترو)، Otero (مانوئل ریکو) و غیره ... نمونه‌های خوبی برای گلچین‌نویسان به شمار می‌روند.

نمایش

هر چند در ۲۵ سال اخیر، اعتدالی نصیب نمایش و متون نمایشی نشد، می‌توان به یک مجموعه رویداد که باعث ترویج و تحرک این نوع ادبی شد، اشاره کرد. در وهله اول باید به "ofacho" که در سال ۱۹۷۳، توسط Carlos casares کارلوس کاسارس با As laranxas máis De todas as laranxas، laranxas de شد، اشاره کرد؛ اثری که حال و هوای جدیدی بر ادبیات نمایشی و گرایش «دنیای جادویی» مسلط کرد.

این اثر در سال ۱۹۷۵، در مسابقه‌ای که در آن Manuel Lourenzo (مانوئل لورنسو) (۱۹۴۳) با Paises de ningures Viaxe ao (۱۹۷۷) برنده جایزه شد، معرفی گردید. اثر اخیر، کاری اکولوژیستی است و به آلودگی‌هایی که جامعه صنعتی در دشت‌ها و شهرها به وجود می‌آورد، اعتراض می‌کند. هم‌چنین می‌بایستی